

دو فصلنامه علمی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهرا (س)

سال سی و سوم، دوره جدید، شماره ۳۱، پیاپی ۱۱۶، بهار و تابستان ۱۴۰۲

مقاله علمی - پژوهشی

صفحات ۱۶۲-۱۴۱

## بررسی انتقادی بخش سلجوقیان جامع التواریخ حسنی<sup>۱</sup>

ناصر صدقی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۳

### چکیده

جامع التواریخ حسنی به عنوان یک اثر تاریخ نگاری عمومی متعلق به عصر تیموری، با این که در دوره ای متأخر نوشته شده، در خصوص تاریخ سلجوقیان برخی ویژگی های خاص و منحصر به فرد دارد که آن را شایسته توجه می کند. مسئله پژوهش حاضر این است که بخش سلجوقیان جامع التواریخ حسنی، بر اساس چه منابع و مستندات نوشته شده و به لحاظ محتوایی و اسنادی چه جایگاه و ویژگی هایی دارد؟ تاج الدین حسن یزدی مؤلف این اثر، تاریخ سلجوقیان را بر اساس چندین رساله و اثر تاریخ نگاری متعلق به این دوره نوشته است. وی بخش هایی از تاریخ سلجوقیان را به روایت سلجوقنامه ظهیرالدین نیشابوری و بدایع الزمان فی وقایع کرمان افضل الدین کرمانی نوشته است. مطالب نوشته شده بر اساس این دو اثر به جهت موجود بودن کتاب سلجوقنامه و باقی ماندن اساس متن بدایع الزمان به روایت محمدابراهیم خبیسی مورخ دوره صفوی، جنبه ای تکراری دارد، اما قسمت های مهمی از تاریخ سلجوقیان در جامع التواریخ، بر اساس دو اثر تاریخ نگاری ناشناخته و ناموجود دوره سلجوقی به نام های تاریخ قوامی و سنجرنامه به نگارش در آمده که به لحاظ محتوایی و اسنادی ارزشمندترین بخش آن محسوب می شود. روایت یزدی درباره نحوه حضور سلجوقیان در خراسان مستند به اثری ناشناخته با عنوان تاریخ قوامی است و اخبار رویدادهای تاریخی خراسان دوره سلطان ملک شاه و سلطان سنجر مستند به سنجرنامه است. پژوهش حاضر ضمن این که بخش های تکراری و خلاصه نویسی شده جامع التواریخ بر اساس سلجوقنامه و بدایع الزمان را به صورت مستند و تطبیقی با این دو اثر نشان داده، قسمت های منحصر به فرد این اثر در خصوص تاریخ سلجوقیان را هم با موضوعات مربوط بدان بیان کرده است. هدف این تحقیق آن است که با نشان دادن بخش های نوشته شده جامع التواریخ بر اساس تاریخ قوامی و سنجرنامه، محققان و پژوهشگران تاریخ دوره سلجوقی را متوجه اهمیت و ضرورت بازخوانی انتقادی این بخش از روایت های جامع التواریخ در خصوص تاریخ سلجوقیان کند.

کلیدواژه ها: جامع التواریخ حسنی، سلجوقیان، منابع تاریخی، تاریخ قوامی، سنجرنامه.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2024.46922.1723

۲. استاد گروه تاریخ دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. n\_sedghi@tabrizu.ac.ir

#### مقدمه

تاج‌الدین حسن بن شهاب یزدی شاعر، مورخ و منجم دوره تیموری، بین سال‌های ۸۵۷-۸۵۵ هجری در کرمان عصر تیموری، تاریخی عمومی به نام جامع التواریخ به نگارش در آورد. وی این اثر را به تقلید و الگوبرداری از کتاب مشهور جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، مورخ دوره ایلخانی نوشت و آن را جهت تمایز از کتاب تاریخ‌نگاری خواجه، جامع التواریخ حسنی نام گذارد (یزدی، بی‌تا: ۱۴۴ و ۱۴۰ و ۱۳۹). یزدی جامع التواریخ را در شش فصل نوشت و یکی از مفصل‌ترین بخش‌های این اثر ۷۸۳ صفحه‌ای را با عنوان «در ذکر خلفای بنی‌عباس و پادشاهان هم‌عصر آنان از جمله سلجوقیان» به تاریخ سلجوقیان اختصاص داد. بخش سلجوقیان این اثر از صفحات ۱۲۴ تا ۴۳۶ نسخه اصلی کتاب را شامل می‌شود.

متن اصلی جامع التواریخ حسنی که به صورت دو نسخه خطی در کتابخانه ملی ایران و کتابخانه سلیمانیه استانبول نگهداری می‌شود، برای سال‌های متمادی، چندان شناخته شده نبود و به همین خاطر متن کامل آن تاکنون تصحیح و چاپ نشده است. نخستین بار ایرج افشار با همکاری حسین مدرسی طباطبایی، به تصحیح، چاپ و نشر بخش تیموریان کتاب جامع التواریخ اقدام کرده است (همان: ۷ و ۸). این بخش از جامع التواریخ حسنی مربوط به رویدادهای معاصر نویسنده بوده و مهم‌ترین قسمت آن محسوب می‌شود. بخش تیموریان جامع التواریخ حسنی، اخیراً در ترکیه توسط آقای فاتح بیستانچی به زبان ترکی استانبولی ترجمه و چاپ شده است (Bostancı, 2023). بخش تاریخ مغول و ایلخانان جامع التواریخ حسنی هم به سال ۲۰۱۸ توسط محسن لیشی به عنوان موضوع رساله دکتری در دانشگاه اژه تحقیق و بررسی شد (Leisi, 2018).

قسمت سلجوقیان جامع التواریخ حسنی، براساس دو نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی ایران و کتابخانه سلیمانیه استانبول، با عنوان نسخه‌های تهران و استانبول، مورد استفاده برخی از مورخان و محققان سلجوقی‌شناس بوده است. در ایران مهدی بیانی و در ترکیه محمد آلتای کویمن، شاید نخستین مورخان و محققانی باشند که از بخش سلجوقیان جامع التواریخ استفاده کرده و اهمیت آن را متذکر شده‌اند. مهدی بیانی به سال ۱۳۲۶ ش/۱۹۴۷م از قسمت تاریخ سلجوقیان کرمان جامع التواریخ حسنی در زمینه بازسازی و بازیابی متن گم‌شده کتاب بدایع الازمان فی وقایع کرمان افضل‌الدین کرمانی استفاده کرد. بیانی همچنین اثری مستقل در خصوص زندگی و آثار حسن یزدی به عنوان موضوع رساله دکتری خود تألیف کرد که بعد از مرگ وی چاپ شد (بیانی، ۱۳۹۳).

محمد آلتای کویمن هم به سال ۱۹۴۷، هم‌زمان با انتشار پژوهش مهدی بیانی، از بخش

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۱۴۳

سلجوقیان جامع‌التواریخ حسنی در بازسازی و روایت واقعه عصیان و حمله غزها در دوره سلطنت سلطان سنجر استفاده کرد و اهمیت آن را برای آگاهی از تاریخ رویدادهای خراسان دوره سلطنت سلطان سنجر متذکر شد (Köymen, 2018). عثمان غازی اوزگودنلی هم بعد از سال‌ها، به واسطه نوشته کویمن، به اهمیت بخش سلجوقیان جامع‌التواریخ حسنی آگاهی یافت و نسخه کتابخانه سلیمانیه این اثر را در نوشتن پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در موضوع جنگ قپوان در دوره سلطان سنجر، استفاده نمود و اهمیت این اثر را درخصوص این واقعه، یادآوری کرد (ÖZKUZUGÜDENLİ, O.Gazi, 1994).

در ایران هم بعد از وقفه‌ای طولانی از دوره کارهای تحقیقی مهدی بیانی در مورد جامع‌التواریخ حسنی، برخی محققان، بخش سلجوقیان جامع‌التواریخ حسنی را براساس نسخه کتابخانه فاتح استانبول، مورد توجه و استفاده قرار داده‌اند. محسن رحمتی در رساله دکتری خود با عنوان «تحول سیاست و جامعه در ماوراءالنهر از قرن سوم تا حمله مغول»، روایات جامع‌التواریخ حسنی یزدی را در موضوع حاکمیت سلطان سنجر بر ماوراءالنهر و مناسبات وی با قره خانیان، مورد استفاده قرار داده است (رحمتی، ۱۳۸۳). مجتبی خلیفه هم در رساله دکتری‌اش با عنوان «تجارت ایران در دوره سلجوقیان» از بخش سلجوقیان جامع‌التواریخ حسنی در موضوع تحولات تجاری کرمان عصر سلجوقی، استفاده کرده است (خلیفه، ۱۳۸۵). مدت‌ها بعد از استفاده پراکنده اهل تحقیق از بخش سلجوقیان نسخه‌های خطی جامع‌التواریخ، بلنت اوزکوزوگودنلی به سال ۲۰۱۴ تصحیح و تحقیق بخش سلجوقیان این اثر را براساس متن دو نسخه تهران و سلیمانیه استانبول، به‌عنوان موضوع رساله دکتری خود در دانشگاه مرمره استانبول انجام داد. وی همچنین متن فارسی این اثر را به زبان ترکی استانبولی ترجمه نمود و تصویر صفحات نسخه فارسی کتابخانه سلیمانیه را ضمیمه متن رساله دکتری خود کرد (ÖZKUZUGÜDENLİ, Bülent, 2014).

متن فارسی بخش سلجوقیان جامع‌التواریخ به سال ۱۳۹۹ با تصحیح و مقدمه بلنت اوزکوزوگودنلی و ویراستاری آقای عبدالحسین لاله در تهران منتشر شد و در اختیار محققان قرار گرفت (یزدی: ۱۳۹۹). پژوهش حاضر براساس بررسی همین متن فارسی منتشرشده توسط اوزکوزوگودنلی، صورت گرفته است. بخش سلجوقیان جامع‌التواریخ حسنی، تاکنون به‌صورت مستقل و دقیق بررسی نشده است. بلنت اوزکوزوگودنلی در مقدمه متن فارسی این اثر (یزدی، ۱۳۹۹: ۳۲-۱۱) و در مقاله‌ای که در واقع عین همین مقدمه به زبان ترکی استانبولی است (ÖZKUZUGÜDENLİ, Bülent, 2016: 143-166) به بیان شیوه تحقیق و یافته‌های خود در خصوص بخش سلجوقیان جامع‌التواریخ پرداخته است.

توضیحات و یافته‌های وی شکلی کلی دارد و به جزئیات منابع و مستندات این اثر و میزان اعتبار بخش‌های مختلف آن از حیث آگاهی به تاریخ سلجوقیان، نپرداخته است. همچنین متن چاپ‌شده توسط آقای اوزگودنلی به طرز اصولی و دقیق تصحیح نشده و آکنده از اغلاط و خطاهای فاحش محتوایی، ادبی، تاریخی و جغرافیایی است. موضوعی که پرداختن بدان نیازمند پژوهشی مستقل است. در پژوهش حاضر، منابع و مراجع مورد استفاده و استناد شهاب‌الدین حسن یزدی در نوشتن تاریخ سلجوقیان طبق محتوای این اثر و مقایسه آن با منابع تاریخ‌نگاری دوره سلجوقی بررسی شده و میزان اعتبار و ارزش محتوایی قسمت‌های مختلف آن مشخص شده است.

#### منبع‌شناسی و اعتبارسنجی بخش سلجوقیان جامع التواریخ حسنی

حسن‌بن شهاب یزدی برای نوشتن تاریخ عمومی جامع التواریخ از خلقت آدم تا زمانه خود در عصر جانشینان شاهرخ تیموری، نزدیک به ۵۰ اثر تاریخ‌نگاری را مورد استفاده قرار داده است. وی همچنین تاریخ رویدادهای معاصر و نزدیک به زمانه خود را عموماً براساس روایات معاصران و مشاهدات خود نوشته است (جامع التواریخ یزدی، بی‌تا، مقدمه مدرسی طباطبایی و ایرج افشار: ۱۰ و ۹). یزدی به شیوه کار پیشینیان، به جهت ترس و نگرانی از احتمال انتحال یا تغییر نام مؤلف، نام خود را در بخش‌های مختلف کتاب، تکرار و ثبت کرده است (یزدی، ۱۳۹۹: ۱۷۱ و ۱۵۶ و ۴۹ و ۴۵). درحالی‌که این رویه را در خصوص ذکر نام مورخان یا آثار تاریخ‌نگاری مورد رجوع و استناد در تألیف جامع التواریخ رعایت نکرده و به‌ندرت به اسم منابع تاریخ‌نگاری مورد استفاده، اشاره نموده است.

روش یزدی در نوشتن تاریخ ادوار قبل از دوره تیموری، رونویسی یا خلاصه‌برداری از منابع تاریخ‌نگاری پیشین است. این شیوه هر چند موجب شده است تا کتاب وی از حیث نشر و بیان شکلی واحد و یک‌دست نداشته باشد، حسن این روش آن است که امروزه می‌توانیم از طریق جامع التواریخ حسنی برخی منابع تاریخ‌نگاری از بین رفته را که متن آن‌ها در این اثر باقی مانده، شناسایی و بازیابی کنیم. طبق بررسی صورت‌گرفته در محتوای بخش سلجوقیان کتاب جامع التواریخ حسنی و مقایسه آن با منابع تاریخ‌نگاری دوره سلجوقی، این اثر بر مبنای چندین اثر تاریخ‌نگاری دوره سلجوقی نوشته شده است که به شرح ذیل بیان می‌شود:

**تاریخ قوامی.** یکی از نخستین منابع تاریخ‌نگاری یزدی در نوشتن بخش سلجوقیان است. یزدی هنگام ذکر اخبار مربوط به منشأ و خاستگاه سلجوقیان و خصوصاً رویدادهای مربوط به شخصیت و اقدامات چغری بک داود و فرزند و جانشین وی آلپ ارسلان در امارت خراسان،

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۱۴۵

از روایات تاریخ قوامی استفاده کرده است (یزدی، ۱۳۹۹: ۱۶۸ و ۴۴ و ۴۳ و ۴۲). نکته قابل توجه این است که امروزه منبعی تاریخ‌نگاری با نام تاریخ قوامی نداریم و در منابع تاریخ‌نگاری دوره سلجوقی و بعد از آن اثری با این نام یاد نشده است. این اثر در بین محققان تاریخ دوره سلجوقی هم شناخته شده نیست. به طوری که بانث *اوزکوزوگودنلی* محقق و مصحح بخش سلجوقیان جامع *التواریخ* نتوانسته درخصوص تاریخ قوامی و مؤلف و محتوای آن اظهار نظر مستند کند (یزدی، ۱۳۹۹، مقدمه مصحح: ۲۲ و ۲۱).

براساس برخی قراین و شواهد می‌توان احتمال داد که تاریخ قوامی شاید همان کتاب *ملک‌نامه*، تاریخ مفقود شده اوایل دوره سلجوقی باشد. چراکه *ملک‌نامه* به‌عنوان یکی از نخستین منابع تاریخ‌نگاری دوره سلجوقی، در خراسان دوره امارت آلپ ارسلان، با موضوع محوریت اقدامات چغری بک داود و آلپ ارسلان نوشته شده است. میرخواند مورخ تیموری معاصر با حسن یزدی، در هرات از رساله تاریخ‌نگاری *ملک‌نامه* در شرح اقدامات چغری بک داود در خراسان استفاده کرده است (میرخواند، ۱۳۳۹: ۴/۲۴۳-۲۳۸).

*ابن‌عدیم* مورخ اهل شام هم در کتاب *بغیه الطلب فی تاریخ حلب* به‌صراحت به کتاب *ملک‌نامه* و محتوا و موضوع آن درخصوص تبار و منشأ سلجوقیان اشاره کرده و روایتی را از آن نقل نموده است که شبیه روایت یزدی از تاریخ قوامی است (ابن‌العدیم، ۲۰۱۱: ۳۲؛ یزدی، ۱۳۹۹: ۴۲). طبق این قراین، قوامی احتمالاً اسم یا لقب نویسنده رساله مفقوده *ملک‌نامه* بوده است. آنچه احتمال یکسانی تاریخ قوامی با *ملک‌نامه* را قوت می‌بخشد، شباهت‌های روایت یزدی در برخی موضوعات مربوط به حکومت چغری بک و آلپ ارسلان در خراسان با روایت‌های ابوالفوارس حسینی، میرخواند و ابن‌عدیم است؛ چرا که هر سه مؤلف در موقعیت‌های جغرافیایی و زمانی مختلف به کتاب *ملک‌نامه* دسترسی داشته‌اند و از آن استفاده کرده و روایت‌های مشابهی را درخصوص منشأ و تبار سلجوقیان و اقدامات چغری بک نقل نموده‌اند (صدقی، ۱۳۸۸: ۱۰۶ و ۸۹).

یزدی براساس تاریخ قوامی، در مورد پیشینه خاندان سلجوق و رویدادهای قبل از حکومت سلجوقیان در خراسان، روایات و اخباری را آورده است که با روایت *زبده التواریخ ابوالفوارس حسینی* مشابه است (یزدی، ۱۳۹۹: ۴۲ و ۴۲؛ ابوالفوارس حسینی، ۱۳۸۰: ۳۶ و ۳۵). احتمالاً منبع هر دو اثر یکسان بوده است. طبق روایت یزدی، سلجوق «یک شب به خواب دید که بول می‌کرد. آتشی از او بیرون آمدی که مشرق و مغرب روشن گشتی. از معبر پرسید گفت که از نسل تو فرزندی باشد که پادشاه مشرق و مغرب شود».

این روایت در *زبده التواریخ حسینی* هم با این مضمون آمده است (یزدی، ۱۳۹۹: ۴۳؛

ابوالفوارس حسینی، ۱۳۸۰: ۳۷). روایت ابوالفوارس حسینی با روایت یزدی در مورد وقایع مربوط به حکومت چغری بک داود در خراسان و نیابت حکومت وی توسط فرزندش آلپ ارسلان، به حدی شبیه هم است (یزدی، ۱۳۹۹: ۸۶ و ۸۵؛ ابوالفوارس حسینی، ۱۳۸۰: ۶۴ و ۶۳) که می‌توانیم اغلاط مربوط به اعلام تاریخی و جغرافیایی در نسخه جامع التواریخ یزدی را به واسطه متن زبده التواریخ ابوالفوارس حسینی، تصحیح کنیم. این شباهت و همسانی ما را به این حدس و احتمال می‌رساند که یزدی و مورخان مذکور از منبعی مشترک درخصوص رویدادهای خراسان دوره چغری بک و آلپ ارسلان استفاده کرده‌اند که احتمالاً همان ملک نامه است. مسئله‌ای که البته نیازمند توجه و بررسی بیشتر از طرف محققان تاریخ‌نگاری دوره سلجوقی است.

یزدی با استناد به تاریخ قوامی، روایت‌هایی را درخصوص منشأ و نخستین سال‌های حضور سلجوقیان در ماوراءالنهر و خراسان ذکر کرده که در منابع تاریخ‌نگاری دوره سلجوقی به این شکل وجود ندارد. به طوری که به جهت شاذ و نادر بودن این روایات، میزان اعتبار و صحت و سقم آن‌ها قابل تأمل است. نکته جالب این که به‌مانند ملک نامه، چغری بک داود شخصیت محوری و اصلی روایت‌های یزدی از تاریخ قوامی است. روایات خاص و منحصر به فرد یزدی از تاریخ قوامی که در منابع موجود تاریخ‌نگاری سلجوقی وجود ندارد، به شرح ذیل قابل توجه است:

۱. روایت عزیمت چغری بک داود از ماوراءالنهر به بلاد روم به قصد غزا و جهاد با روم و گذشتن وی از خراسان در دوره سلطنت و قدرت سلطان محمود غزنوی (یزدی، ۱۳۹۹: ۴۳ و ۴۴)؛

۲. مکاتبه چغری بک داود با سلطان مسعود در رویدادهای قبل از نبرد دندانقان و پیشنهاد ازدواج با دختر سلطان غزنوی جهت صلح و رفع خصومت‌ها که با جواب تند سلطان مسعود مواجه شد (همان: ۳۷)؛

۳. رسیدن نامه سلطان مسعود مبنی بر این که چغری بک داود به‌عنوان بنده و زیردست در مقامی نیست که با دختر سلطان غزنوی ازدواج کند و تأمل چغری بک داود در نحوه پاسخ‌دادن به نامه سلطان مسعود و پیشنهاد وی به نوشتن «توتی» که منظورش همان آیه قرآنی تَوْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ<sup>۱</sup> بود (همان: ۳۷)؛

۴. خواب دیدن چغری بک داود قبل از نبرد دندانقان که بر روی تختی نشسته بود و از میان تخت درختی برآمد سبز و کلاهی بر بالای آن درخت بود. چغری بک داود خواست کلاه

۱. آل عمران ۲۶.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۱۴۷

برگیرد، اما درخت رشد کرده و ارتفاع می‌گرفت و کلاه را با خود بالا می‌برد. چغری بک داود بر روی درخت به آسمان رسید و کلاه را برداشته و بر سر نهاد. از معبر تعبیر خواب خواست و گفتند که «آن کس پادشاه همه روی زمین شود» (همان: ۳۸)؛

۵. اطلاع سلطان مسعود از خواب چغری بک داود و پشیمانی او و پیشنهاد برقراری صلح که این بار با مخالفت چغری بک مواجه شد. وی به سلطان مسعود پیام فرستاد که «صلح از میان برخاست. شمشیر می‌باید زد که دوش کلاهی دوخته‌اند تا بر سر که خواهند نهاد». بدین گونه نبرد دندانقان رخ داد و سلجوقیان غزنویان را بشکستند و بر حکومت خراسان دست یافتند (همان: ۳۸).

**سنجرتنامه.** روایات جامع‌التواریخ حسنی در مورد رویدادهای خراسان دوره سلطنت سلطان ملک‌شاه و سلطان سنجر هم جایگاهی خاص و منحصر به فرد دارد. این جایگاه، ناشی از استفاده و بهره‌مندی یزدی از رساله سنجرتنامه دیگر اثر تاریخ‌نگاری مفقودشده خراسان دوره سلجوقی است. یزدی به دو طریق از رساله سنجرتنامه استفاده کرده است. نخست رساله‌ای منظوم به نام تواریخ آل سلجوق در ذکر تاریخ سلجوقیان سروده بود و در ذکر رویدادهای دوره سلطنت سلطان سنجر کاملاً تحت تأثیر محتوا و مطالب سنجرتنامه بوده است.

دیگر این که یزدی برای نوشتن رویدادهای خراسان دوره سلجوقی و خصوصاً اقدامات سلطان سنجر مجدد به رساله سنجرتنامه رجوع کرده و بخش‌های مهمی از اثر منظوم خود با نام تواریخ آل سلجوق را که طبق سنجرتنامه سروده بود، در نوشتن جامع‌التواریخ به طریقی مسوط مورد استفاده قرار داده است (یزدی، ۱۳۹۹: ۲۱۲ و ۲۰۸ و ۲۰۱ و ۱۸۲ و ۱۷۲ و ۱۴۹). یزدی در ذکر رویدادهای مربوط به مرگ سلطان ملک‌شاه و وقایع بعد از آن، به استناد سنجرتنامه، روایاتی را آورده که در منابع موجود تاریخ‌نگاری سلجوقی و منابع مورد استفاده او چون سلجوقنامه و بدایع‌الازمان وجود ندارد. یزدی در چندین موضع به سنجرتنامه و نحوه استفاده از این اثر اشاره کرده است. مورخان دوره سلجوقی عموماً مرگ سلطان ملک‌شاه را به‌عنوان یک مرگ طبیعی ذکر می‌کنند؛ درحالی‌که یزدی براساس روایت سنجرتنامه، مرگ سلطان ملک‌شاه سلجوقی را ناشی از زهر دادن می‌داند (یزدی، ۱۳۹۹: ۱۱۹).

منع و مستند یزدی در روایت رویدادهای خراسان بعد از مرگ سلطان ملک‌شاه با محوریت و نقش‌آفرینی سلطان سنجر، رساله سنجرتنامه است (همان: ۱۲۴). وی طبق روایت سنجرتنامه، سنجر را با عنوان و القاب مظنن و با شکوه «خداوند عالم، سلطان اعظم ابوالحارث سنجرت‌الملک‌شاه» مورد خطاب قرار داده و به بیان «هشت مصاف بزرگ» سلطان سنجر و معرفی هر یک می‌پردازد. شیوه بیان یزدی در ذکر ترتیب فتوحات سلطان سنجر نشان می‌دهد

که *سنجرنامه* یک اثر تاریخ‌نگاری مستند و مشحون از داده‌های تاریخی بوده است (همان: ۱۲۶-۱۲۴).

موضوعی که در روایت ابن‌اسفندیار از برخی رویدادهای تاریخی سلطنت سلطان سنجر براساس *سنجرنامه*، مشهود و صادق است (ابن‌اسفندیار، ۱۳۶۶، قسمت سوم: ۷۲ و ۵۴). طبق روایت یزدی از تاریخ جنگ‌های هشت‌گانه سلطان سنجر، می‌توان گفت بخش اصلی محتوای *سنجرنامه* به ذکر مصافات و جنگ‌های سلطان سنجر اختصاص داشته است. به طوری که یزدی دیگر نام رساله *سنجرنامه* را «تاریخ رزم‌نامه سنجری» ذکر کرده (یزدی، ۱۳۹۹: ۱۴۹) و به شرح منظوم لشکرکشی و فتوحات هشت‌گانه سلطان سنجر براساس آن پرداخته است. یکی از نکات مبهم و قابل تأمل این است که اگر *سنجرنامه* رساله‌ای منظوم در بیان اقدامات سلطان سنجر بوده، چرا یزدی براساس این اثر منظوم، مجدد به ارائه روایتی منظوم از تاریخ رویدادهای دوره سلطان سنجر پرداخته است.

روایت منظوم یزدی در مورد مناسبات سیاسی، مکاتبات و شرح فتوحات و اقدامات نظامی سلطان سنجر در خراسان، ماوراءالنهر، غزنه، مازندران، خوارزم، ترکستان و عراق عجم، دارای ارزش و اعتبار استنادی زیاد است. در این بخش از روایت منظوم یزدی، اطلاعات و آگاهی‌های تاریخی قابل توجهی در خصوص مکاتبات سلطان سنجر با حکام و ملوک غزنه، ترکستان و عراق عجم و اسامی امرا و سرداران نظامی سلطان سنجر و قوای نظامی اردوهای مقابل قوای سلطان سنجر و جغرافیای فتوحات و لشکرکشی و شیوه آرایش نظامی و اسباب‌آلات و شیوه‌ها و روش‌های رزم و جنگ سپاه سلطان سنجر و قوای نظامی خاقان‌های ترکستان و سلاطین غزنه و سلجوقیان عراق عجم به دست می‌دهد (همان: ۲۱۶-۱۷۲ و ۱۶۸-۱۴۹).

آخرین و مهم‌ترین واقعه تاریخی در بین جنگ‌های سلطان سنجر که یزدی براساس *سنجرنامه* به شرح و بیان آن پرداخته، ذکر «مصاف سمرقند» بین سلطان سنجر با گورخان خطایی است. همان جنگی که در منابع تاریخی این دوره به نبرد *قطوان* شهرت یافته است. واقعه‌ای که در سال ۵۳۶ هجری منجر به شکست سنگین اردوی سلطان سنجر از سپاهیان غیر مسلمان خطایی شد (رحمتی، ۱۳۹۷: ۶۱-۵۹). یزدی در خصوص مقدمات این رویداد تاریخی و شمار و بخش‌های سپاه گورخان خطایی، نحوه شکست سپاه سلطان سنجر، اسارت همسر سلطان سنجر و برخی امرای سپاه و فرار بقایای اردوی سلطان سنجر به مرو و بعد نامه‌نگاری‌های بین سلطان سنجر و گورخان و پرداخت غرامت از طرف سلطان سنجر در قبال آزادی اسیرشدگان و صلح با سپاهیان گورخان، مطالبی را ذکر کرده است که در هیچ‌کدام از



تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۱۴۹

منابع تاریخی دوره سلجوقی با این تفصیل و جزئیات نیامده است (یزدی، ۱۳۹۹: ۲۴۲-۲۱۷). به نظر می‌رسد، آخرین بخش از مطالب *سنجرنامه*، ذکر واقعه مصاف سمرقند و شکست سلطان سنجر از گورخان خطایی بوده است؛ چراکه بعد از این واقعه یزدی ذکر رویدادهای دوره سلطنت سلطان سنجر را که مهم‌ترین آن «فتنه حشم غز» و اسارت سلطان سنجر و برافتادن حکومت وی از خراسان بوده، براساس روایت ظهیرالدین در *سلجوق‌نامه* آورده است. یکی از موضوعات مهم دارای قابلیت تحقیق و پژوهش تاریخی مستقل درخصوص بخش سلجوقیان *جامع التواریخ حسنی*، بازخوانی و شرح و توضیح اقدامات سلطان سنجر و رویدادهای تاریخی نیم قرن امارت و سلطنت وی در مرو خراسان است. بازنویسی و شرح و توضیح انتقادی این بخش از *جامع التواریخ* موجب افزایش آگاهی ما از رویدادهای تاریخی خراسان دوره سلطنت سلطان سنجر می‌شود و هم این که به بازبانی و بازسازی بخش مهمی از محتوای رساله مفقودشده *سنجرنامه* کمک می‌کند.

اهمیت این بخش از *جامع التواریخ حسنی*، زمانی مضاعف و قابل توجه است که می‌دانیم غالب منابع تاریخ‌نگاری تألیف‌شده در خراسان دوره سلجوقی از بین رفته و عموم منابع تاریخ‌نگاری موجود دوره سلجوقی در غرب قلمرو سلجوقیان تألیف شده و به واسطه چنین وضعیتی، آگاهی و اطلاعات ما درمورد رویدادهای خراسان دوره سلجوقی، کلی و اندک است (صدقی، ۱۳۹۳: ۱۰۱-۹۹). دیگر این که در تحقیقات تاریخی محققان ایرانی درخصوص رویدادهای تاریخی دوره سلطنت سلطان سنجر، هنوز از بخش سلجوقیان *جامع التواریخ حسنی* استفاده دقیق نشده است.

**رساله منظوم تواریخ آل سلجوق.** این رساله از دیگر منابع و مستندات مهم بخش سلجوقیان *جامع التواریخ حسنی* است. این اثر از سروده‌های یزدی در تاریخ سلجوقیان بوده که قبل از *جامع التواریخ* تألیف شده بود. رساله منظوم *سنجرنامه* بیشترین تأثیر را در علاقه یزدی به تاریخ سلجوقیان و سرودن اثر منظوم *تواریخ آل سلجوق* داشته است. وی در این مورد چنین اظهار نظر می‌کند: «باز سر قصه و مصافات سلطان سنجر رویم و آن هشت مصاف او را به ضابطه از تاریخ رزم نامه سنجری و نظم مصنف *جامع التواریخ* که جهت آل سلجوق به نام سلطان شاهرخ بهادر نظم شد، نبشته آید ان شاء الله تعالی» (همان: ۱۴۹).

شرح منظوم یزدی از مصاف‌های سلطان سنجر براساس رساله *سنجرنامه*، قبل از تألیف *جامع التواریخ* در رساله منظوم *تواریخ آل سلجوق* آمده بود و یزدی براساس این رساله به روایت جنگ‌های سلطان سنجر پرداخته بود (همان: ۲۱۲ و ۲۰۸ و ۲۰۱ و ۱۸۲ و ۱۷۲ و ۱۴۹). به نظر می‌رسد یزدی رساله منظوم *تواریخ آل سلجوق* را به غیر از *سنجرنامه*، براساس متن و

محتوای چندین اثر مهم تاریخ‌نگاری دوره سلجوقی، چون *سلجوق‌نامه* ظهیرالدین نیشابوری، *تاریخ قوامی و بدایع‌الازمان* افضل‌الدین کرمانی، سروده و به نظم کشیده بود. این رساله منظوم امروزه موجود نیست و تنها منتخباتی از آن در قسمت‌های مختلف بخش سلجوقیان *جامع‌التواریخ* باقی مانده است.

وقتی یزدی براساس *سلجوق‌نامه* ظهیرالدین نیشابوری به نقل مناسبات سلطان محمود غزنوی با سلجوقیان می‌پردازد (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۱۱؛ یزدی، ۱۳۹۹: ۴۵)، ادامه مطالب را به صورت منظوم از رساله *تواریخ آل سلجوق* آورده و چنین به معرفی این اثر و زمان تألیف آن می‌پردازد: «این ضعیف حقیر که ضابط و مصنف این کتاب [جامع‌التواریخ] است، اقل عبادالله حسن بن شهاب‌الدین حسین یزدی در زمان خلیفه زمان شاهرخ میرزا بهادر بن امیرقطب‌الدین تیمور گورکان، *تواریخ آل سلجوق* نظم کرده و مداح این خاندان شد. از نیکنمایی و خیر و عدلی که آن جماعت را بود» (یزدی، ۱۳۹۹: ۴۵).

علت اهمیت و منحصر به فرد بودن رساله منظوم *تواریخ آل سلجوق* آن است که غالب مطالب آن براساس دو رساله مفقود شده تاریخ‌نگاری سلجوقی به نام‌های *تاریخ قوامی* و *سنجرنامه* سروده شده و به *جامع‌التواریخ* منتقل شده است. یزدی در موضعی دیگر، اخبار مناسبات سلجوقیان با سلطان مسعود در خراسان تا واقعه نبرد دندانقان را براساس روایتی منظوم آورده است که برگرفته از اثر «مصنف کتاب حسن شهاب‌الدین یزدی در *تواریخ‌نامه* منظوم» یعنی همان *تواریخ آل سلجوق* است (همان: ۴۹). مطالب تاریخی مطرح در این قسمت دارای برخی داده‌ها و اطلاعات تاریخی خاص و منحصر به فردی است که در *سلجوق‌نامه* ظهیرالدین نیشابوری و دیگر منابع تاریخ‌نگاری موجود سلجوقی نیامده است (همان: ۶۳-۵۵ و ۵۳-۴۹). یزدی در روایت منظوم برگرفته از *تواریخ آل سلجوق*، با چنان تفصیل و جزئیاتی به ذکر اسامی افراد و اشخاص دخیل و برخی داده‌های خاص و منحصر به فرد در مورد وقایع مربوط به مقابله سلطان طغرل با بساسیری و سرکوب طغیان ابراهیم ینال و بازگرداندن خلیفه القائم به تخت خلافت پرداخته که در منابع تاریخ‌نگاری موجود سلجوقی به این شکل نیامده است (همان: ۸۳-۶۶). در مورد این که منبع یا منابع مورد استفاده یزدی در این روایت منظوم کدام بوده، نمی‌توان با اطمینان سخن گفت. وی در موضعی به صورت «چنین آمدم در *تواریخ‌یاد*» (همان: ۷۸)، به بیان مبهم منبع خود در این روایت منظوم مشحون از داده‌های تاریخی پرداخته است.

روایت یزدی در مورد رویدادهای دوره سلطان ملک‌شاه سلجوقی با تأکید بر اقدامات و مناسبات وی در مرزهای شرقی با قراخانیان، مبتنی بر بیان منظوم وقایع از «*تواریخ آل سلجوق*» است (همان: ۸۹). براساس روایت منظوم یزدی، می‌توان داده‌های تاریخی قابل توجهی در

خصوص جزئیات مناسبات سلطان ملک‌شاه با شمس‌الملک نصرخان بن طمغاج خان از خانان ترکستان و نحوه برقراری صلح بین طرفین به واسطه ازدواج سلطان ملک‌شاه با ترکان خاتون دختر طمغاج خان و خواهر نصرخان، به دست آورد (همان: ۱۰۵-۹۰).

محتماً منبع مورد استفاده یزدی در موضوع وقایع و رویدادهای شرق قلمرو سلجوقیان در دوره سلطان ملک‌شاه و خصوصاً نوع مناسبات مبتنی بر جنگ و صلح و خویشاوندی سلطان ملک‌شاه با خانان ترکستان، مبتنی بر رساله مفقوده شده سنجرنامه بوده است؛ چرا که مطالب مطرح در این قسمت حاوی داده‌ها و اطلاعات تاریخی ارزشمند و منحصر به فردی است که در منابع تاریخ‌نگاری دوره سلجوقی با این تفصیل و جزئیات وجود ندارد.

یزدی در روایت منظوم برگرفته از رساله *تواریخ آل سلجوق*، نقش و اقدامات مهم و هماهنگ دو وزیر سلجوقی و قراخانی، یعنی خواجه نظام‌الملک و خواجه عبدالسلام وزرای سلطان ملک‌شاه و نصرخان در برقراری صلح را به طرز مفصل بیان کرده و به این نکته مهم اشاره نموده که در این زمان، سلطان ملک‌شاه در حالی با ترکان خاتون خواهر نصرخان قره‌خانی جهت برقراری صلح ازدواج می‌کرد که وی از زبیده خاتون دختر عمش یاقوتی بن چغری بک، صاحب «سه شاه و سه سردار و سه تاجدار» بود به نام‌های «برکیارق و محمد و سنجر شه نامور» (یزدی، ۱۳۹۹: ۱۰۲).

**بدایع الازمان فی وقایع کرمان افضل‌الدین کرمانی.** حسن بن شهاب یزدی اخبار رویدادهای تاریخی کرمان از زمان تشکیل حکومت توسط قاوردبک بن چغری بک تا سقوط حکومت سلجوقیان کرمان را براساس رساله مفقوده *بدایع الازمان فی وقایع کرمان* نوشته است. مطالب این بخش از تاریخ سلجوقیان براساس نثر، شیوه بیان و ادبیات تاریخ‌نگاری افضل‌الدین کرمانی ثبت شده است. یزدی علی‌رغم استفاده یک‌جانبه از *بدایع الازمان* در نوشتن تاریخ سلجوقیان کرمان، در کمال تعجب هیچ اشاره‌ای به نام مؤلف و اسم کتاب نکرده است. وی حتی در خیلی موارد به حذف نام افضل‌الدین کرمانی اقدام کرده و بدون این که دقت کند، جملات و مطالبی را نقل نموده که راوی و ضمیر سوم شخص بیان‌کننده آن مطالب، افضل‌الدین کرمانی بوده است.

به‌عنوان مثال افضل‌الدین کرمانی، هنگام ذکر رویدادهای مربوط به عزیمت ملک ارسلان به بردسیر، اظهار می‌دارد که «چون ملک از جیرفت عزم بردسیر فرمود، مرا رنجگی بود و در خدمت رکاب نتوانستم بود و مقام جیرفت مُتَعَدَّر شد به سبب رنجوری در صحبت جمعی از دوستان به بم شدم» (یزدی، ۱۳۹۹: ۲۸۴). یزدی در این جمله به گوینده سخن هیچ اشاره‌ای نمی‌کند و خواننده تصور می‌کند که ضمیر این جمله یزدی است. در حالی که محمد/براهیم

خبیصی مورخ دوره صفوی که متن *بدایع الازمان* را در ذکر تاریخ کرمان بازنویسی کرده است، در همین موضع در ابتدای جمله اظهار می‌دارد که «افضل الدین ابوحامد احمد الکرمانی گوید که مرا رنجکی بود و در خدمت رکاب نتوانستم بود... الی آخر» (افضل الدین، ۱۳۷۳: ۴۷۸). مقایسه شیوه استفاده حسن یزدی و *محمدابراهیم خبیصی* به‌عنوان دو نویسنده متأخر تیموری و صفوی از رساله *بدایع الازمان فی وقایع کرمان* نشان می‌دهد که میزان دقت و امانت‌داری یزدی در نقل مطالب و محتوای رساله *بدایع الازمان* خیلی کمتر بوده است. *محمدابراهیم خبیصی* به شکلی دقیق و کامل‌تر و با رعایت امانت‌داری تمام به نقل مطالب کتاب *بدایع الازمان فی وقایع کرمان* پرداخته است. درحالی‌که حسن یزدی *بدایع الازمان* را به شکلی سلیقه‌ای، ناقص و پراکنده و بدون ذکر اسم کتاب و مؤلف آن مورد استفاده قرار داده است.

یزدی در نوشتن بخش سلجوقیان کرمان ضمن خلاصه‌کردن روایت‌های تاریخ‌نگاری افضل‌الدین، مطالب را طبق ادبیات و نثر خاص وی نقل کرده و غالب اشعار و امثله موجود در متن *بدایع الازمان* را حفظ و نقل نموده است، به طوری که مقایسه روایت یزدی با روایت افضل‌الدین براساس انشا *محمدابراهیم خبیصی*، گویای این امر است. یزدی در مبحثی با عنوان «قصه ملک رکن الدین و الدین عمادالاسلام و المسلمین قاوردبک بن چغری بک که او را قره ارسلان گفتند» (یزدی، ۱۳۹۹: ۱۰۶).

به بیان سرآغاز و مقدمات حکومت سلجوقیان در کرمان می‌پردازد. هرچند تنها منبع یزدی در ذکر تاریخ سلجوقیان کرمان، *بدایع الازمان فی وقایع کرمان* است، اما وی اصلاً به نام افضل‌الدین و کتاب وی اشاره نکرده و با عنوان کلی و مبهم «راوی تاریخ روایت می‌کند» (همان: ۱۰۶)، اقدامات قاوردبک و جانشین وی سلطان‌شاه را براساس روایت افضل‌الدین کرمانی بیان می‌کند (یزدی، ۱۳۹۹: ۱۱۴-۱۰۶؛ افضل‌الدین، ۱۳۷۳: ۳۵۸-۳۲۳). یزدی در موضعی دیگر و در لابه‌لای اخبار دوره سلطان ملک‌شاه و سلطان محمد، مجدد به ذکر تاریخ سلجوقیان کرمان بازگشته و براساس خلاصه‌نویسی پریشان و ناقص از روایت افضل‌الدین کرمانی، به بیان تاریخ و اخبار ملوک سلجوقی کرمان چون ملک تورانشاه بن قاوردبک (یزدی، ۱۳۹۹: ۱۳۴-۱۳۲؛ افضل‌الدین، ۱۳۷۳: ۳۷۰-۳۶۷) و ملک ایران‌شاه بن تورانشاه (یزدی، ۱۳۹۹: ۱۳۵-۱۳۴؛ افضل‌الدین، ۱۳۷۳: ۳۸۰-۳۷۳)، پرداخته است.

همچنین شیوه تاریخ‌نگاری یزدی درخصوص سلجوقیان کرمان نشان می‌دهد که وی بخش‌هایی از *بدایع الازمان* را در رساله منظوم خود با عنوان تواریخ آل سلجوق که قبل از جامع التواریخ تصنیف کرده بود، به نظم کشیده بود. به طوری که موقع نوشتن جامع التواریخ، بخشی

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۱۵۳

از تاریخ ملوک سلجوقی کرمان را در موضوع «قصه سلطنت ملک ارسلان‌شاه بن کرمانشاه بن قاورد» (یزدی، ۱۳۹۹: ۱۳۵-۱۴؛ افضل‌الدین، ۱۳۷۳: ۳۸۸-۳۸۱) و «ذکر پسران ملک ارسلان‌شاه» (یزدی، ۱۳۹۹: ۱۴۵-۱۴؛ افضل‌الدین، ۱۳۷۳: ۳۸۸) از «تواریخ آل سلجوق منظوم» (یزدی، ۱۳۹۹: ۱۳۵) نقل کرده است. یزدی بعد از بیان منظوم احوال پسران ملک ارسلان‌شاه، مجدد به شیوه تاریخ‌نگاری منثور بازگشته و به شیوه افضل‌الدین، به بیان تاریخ ملک محمد فرزند و جانشین ملک ارسلان‌شاه می‌پردازد (یزدی، ۱۳۹۹: ۱۴۹-۱۴۵؛ افضل‌الدین، ۱۳۷۳: ۳۸۸-۴۰۳).

یزدی بعد از ذکر تاریخ ملک محمد بن ارسلان، بیان اخبار سلجوقیان کرمان را با مرگ وی در سال ۵۵۱ هجری متوقف ساخته (یزدی، ۱۳۹۹: ۱۴۹؛ افضل‌الدین، ۱۳۷۳: ۴۰۲) و به روایت تاریخ «مصافات سلطان سنجر» براساس *سنجرنامه* می‌پردازد. وی بعد از ذکر تاریخ رویدادهای دوره سلطنت سلطان سنجر و برفتادن سلطنت وی توسط ترکان غز، مجدد به روایت افضل‌الدین در *بدایع‌الازمان* برگشته و به شکلی اختصاری و گزینشی به ذکر پادشاهی ملک طغرل‌شاه بن محمد و منازعات جانشینان او چون ملک ارسلان و ملک توران‌شاه بن طغرل و ملک بهرام‌شاه در کرمان، عمان و فارس می‌پردازد (یزدی، ۱۳۹۹: ۳۰۰-۲۵۰؛ افضل‌الدین، ۱۳۷۳: ۵۱۲-۴۰۳). آخرین مطالبی که یزدی به شکلی اجمالی و ناقص براساس *بدایع‌الازمان* به ذکر تاریخ کرمان دوره سلجوقی می‌پردازد، بیان «قصه آمدن غز به کرمان از خراسان» و جنگ‌های جانشینی بین بازماندگان ملوک سلجوقی کرمان و اتابکان و امرای مدعی قدرت و در نهایت بر افتادن حکومت سلجوقیان کرمان با استقرار ملک دینار سرکرده ترکان غز در حکومت کرمان است (یزدی، ۱۳۹۹: ۳۰۳-۳۰۰؛ افضل‌الدین، ۱۳۷۳: ۵۲۱-۵۱۴).

اگر امروزه نسخه بازنویسی شده محمد ابراهیم خبیبی از *بدایع‌الازمان* در دسترس نبود، بخش سلجوقیان کرمان جامع *التواریخ حسنی* با تمام نواقص و کاستی‌های آن می‌توانست مفید و ارزشمند باشد، اما به جهت در دسترس بودن نسخه محمد ابراهیم خبیبی از *بدایع‌الازمان*، با اطمینان می‌توان گفت بخش سلجوقیان کرمان جامع *التواریخ یزدی*، چندان اهمیت و اعتبار استنادی ندارد.

**سلجوق‌نامه ظهیرالدین نیشابوری**، حسن یزدی چارچوب کلی تاریخ سلجوقیان از ابتدای شکل‌گیری تا تقسیم آن دو به شاخه عراق و خراسان را براساس *سلجوق‌نامه ظهیرالدین نیشابوری* نوشته است. علی‌رغم این که *سلجوق‌نامه* یکی از مهم‌ترین مراجع یزدی در نوشتن تاریخ سلجوقیان بوده، وی در کمال تعجب هیچ نامی از *سلجوق‌نامه* و مؤلف آن ظهیرالدین نیشابوری نبرده است. البته وی در چندین موضع روایت‌هایی را از اثری با نام *تواریخ*

آل سلجوق نقل کرده که طبق بررسی صورت گرفته در محتوای روایات، همان سلجوقنامه است.

به عنوان مثال وی در ذکر حکایات مربوط به منشأ خاندان سلجوقی، سلجوق را طبق روایت تواریخ آل سلجوق به صورت «سلجوق بن لقمان» معرفی کرده است (یزدی، ۱۳۹۹: ۴۲؛ نیشابوری، ۱۳۹۰: ۱۰). یزدی در موضعی دیگر هنگام ذکر رویدادهای قبل از ورود سلجوقیان به خراسان، طبق روایت تاریخ آل سلجوق، محل استقرار سلجوقیان را در ماوراءالنهر، سغد سمرقند و نوریخار کرده است (یزدی، ۱۳۹۹: ۴۴؛ نیشابوری، ۱۳۹۰: ۱۱ و ۱۰). هر دو روایت برگرفته از سلجوقنامه ظهیرالدین نیشابوری است که از طرف یزدی با نام تواریخ آل سلجوق ذکر شده است.

آقای بلنت اوزگوندلی مصحح بخش سلجوقیان جامع التواریخ، متوجه این همسانی نشده و تصور نموده که تواریخ آل سلجوق یا تاریخ آل سلجوق اثری جداگانه و متفاوت از سلجوقنامه است (یزدی، ۱۳۹۹، مقدمه مصحح: ۲۲). استفاده یزدی از سلجوقنامه به گونه‌ای نیست که مطالب آن را یکجا روایت و نقل کند. بلکه قسمت‌های مختلف سلجوقنامه را به شکلی گزیده و پراکنده در لابه‌لای بخش سلجوقیان جامع التواریخ آورده و باید به صورت مقایسه‌ای این قسمت‌ها را شناسایی کرد.

بر اساس بررسی تطبیقی متن جامع التواریخ با سلجوقنامه، با اطمینان می‌توانیم بگوییم که یزدی در چه زمینه‌هایی و از کدام بخش‌های کتاب سلجوقنامه استفاده نموده است. یزدی بخش مهمی از روایت خود درباره پیشینه تاریخی خاندان سلجوقی و نحوه ورود آن‌ها به خراسان و مناسبات شأن با سلطان محمود و سلطان مسعود تا شکست غزنویان در نبرد دندانقان را بر اساس سلجوقنامه نوشته است (یزدی، ۱۳۹۹: ۴۵ و ۴۴ و ۴۲؛ نیشابوری، ۱۳۹۰: ۱۱ و ۱۰). حتی اساس رساله تاریخ‌نگاری منظوم سروده شده توسط حسن یزدی با عنوان تواریخ آل سلجوق، به همین سلجوقنامه برمی‌گردد (یزدی، ۱۳۹۹: ۴۵). یزدی موضوع مناسبات سلطان محمود غزنوی با آل سلجوق و شخص ارسال اسرائیل را عیناً از سلجوقنامه روایت کرده است. وی در این قسمت، مطالبی را ذیل عنوان «مورخ اخبار می‌گوید»، ذکر کرده که تطابق عینی با روایت و قلم و ادبیات ظهیرالدین نیشابوری دارد (یزدی، ۱۳۹۹: ۴۸-۴۶ و نیشابوری، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۱).

روایت یزدی در خصوص رویدادهای منجر به نبرد دندانقان بین سلجوقیان و غزنویان و وقایع و رخدادهای بعد از این واقعه که با استناد به «راوی اخبار» (یزدی، ۱۳۹۹: ۶۳) ذکر کرده، مبتنی بر روایت سلجوقنامه است (یزدی، ۱۳۹۹: ۶۵ و ۶۴ و ۶۳ و ۵۳ و ۵۲؛ نیشابوری،

(۱۳۹۰: ۱۹-۱۴).

مهم‌ترین منبع یزدی در روایت منظوم وقایع مربوط به اقدامات سلطان طغرل در عراق عرب و عجم و مقابله او با اتحاد ارسلان بساسیری و ابراهیم ینال و بازگردادن خلیفه القائم به تخت خلافت بغداد و وقایع بعد از آن، برگرفته از *سلجوق‌نامه* است. البته روایت منظوم یزدی از وقایع مذکور، به لحاظ محتوایی، حاوی توصیفات و صحنه‌پردازی‌های ادبی و تاریخی تفصیلی همراه با ذکر جزئیات وقایع و اسامی برخی افراد و اشخاص دخیل در این رویدادهاست که در *سلجوق‌نامه* به این صورت وجود ندارد (یزدی، ۱۳۹۹: ۸۳-۵۳ و نیشابوری، ۱۳۹۰: ۲۱-۱۴).

احتمالاً وی در این قسمت از روایات تکمیلی منابع دیگر استفاده نموده است. یزدی رویدادهای مربوط به مرگ سلطان طغرل و اقدامات صورت گرفته در دوره سلطنت سلطان آلپ‌ارسلان را به شکلی گزینشی و خلاصه‌شده از *سلجوق‌نامه* نوشته است (یزدی، ۱۳۹۹: ۸۹-۸۶؛ نیشابوری، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۱). درخصوص رویدادهای دوره سلطنت سلطان سنجر هم با این که مهم‌ترین منبع یزدی، رساله مفقودشده *سنجرنامه* است، اما موضوع «فتنه حشم غز» را عیناً براساس روایت ظهیرالدین نیشابوری نقل کرده است (یزدی، ۱۳۹۹: ۲۴۷-۲۴۲ و نیشابوری، ۱۳۹۰: ۵۲-۴۸).

یزدی چنان نبوده که کل متن کتاب *سلجوق‌نامه* را یک‌جا در اثر خود بیاورد. بلکه مباحث مختلف آن را به شکلی گزینشی و به‌صورت پراکنده در بخش‌های مختلف اثر خود روایت کرده است. وی هنگام ذکر رویدادهای تاریخی دوره اول سلجوقی تا تقسیم قلمرو سلجوقیان در ایران به دو شاخه خراسان و عراق عجم، عموماً آن بخش‌هایی از *سلجوق‌نامه* را مورد استفاده قرار داده که مربوط به شرق قلمرو سلجوقیان و خصوصاً خراسان بوده است. یزدی روایات *سلجوق‌نامه* درخصوص اقدامات سلاطین سلجوقی دوره اول چون سلطان طغرل، سلطان آلپ ارسلان و سلطان ملک‌شاه و سلطان محمد در غرب قلمرو سلجوقیان در مناطقی چون بلاد روم و عراق عرب و عراق عجم را نیاورده است.

مثلاً به ذکر واقعه مهمی چون فتوحات سلطان آلپ‌ارسلان در بلاد روم و واقعه جنگ ملازگرد با امپراتور بیزانس نپرداخته است. یزدی توجهش به تاریخ رویدادهای عراق عرب و خلافت به حدی محدود و حاشیه‌ای بوده که موقع ذکر تاریخ خلفای بغداد براساس *سلجوق‌نامه*، به شکلی خیلی خلاصه تنها به ذکر چندین سطر مطالب کلی جهت معرفی هر خلیفه هم‌زمان با حکومت سلجوقیان اکتفا کرده است.

*سلجوق‌نامه* تنها منبع یزدی برای بیان تاریخ سلاطین سلجوقی چون سلطان محمد (یزدی،

۱۳۹۹: ۱۳۲-۱۲۶؛ نیشابوری، ۱۳۹۰: ۴۴-۳۹) و سلاطین سلجوقی عراق از سلطان محمودبن محمد تا سلطان طغرل سوم، آخرین سلطان سلجوقی عراق است. به طوری که وی هنگام ذکر اخبار و اقدامات سلاطین سلجوقی مذکور، با کمترین تغییر به رونویسی و نقل عینی روایت تاریخ‌نگاری سلجوق‌نامه می‌پردازد. «چون... ذکر ایشان [سلجوقیان] در خراسان و کرمان کرده شد، اکنون... هرچه در عراق و فارس بوده‌اند به حسب ضرورت حالات ایشان باید آوردن تا قصه آل سلجوق به اتمام رسد» (یزدی، ۱۳۹۹: ۳۰۳).

آخرین قسمت از سلجوق‌نامه که مورد رجوع و استفاده مستقیم یزدی در نوشتن بخش سلجوقیان جامع التواریخ بوده، مربوط به تاریخ سلاطین سلجوقی عراق از سلطان محمود تا سلطان طغرل سوم آخرین سلطان سلجوقی عراق است. در این قسمت که مصادف با آخرین بخش از تاریخ سلجوقیان در جامع التواریخ حسنی است، یزدی به رونویسی و نقل مستقیم روایت سلجوق‌نامه در خصوص اخبار و احوال سلاطین سلجوقی عراق می‌پردازد (یزدی، ۱۳۹۹: ۳۳۰-۳۰۴؛ نیشابوری، ۱۳۹۰: ۸۴-۵۳). باتوجه به این که امروزه متن سلجوق‌نامه در دسترس است، آن بخش‌هایی از جامع التواریخ یزدی که براساس این اثر نوشته شده، تکرار مطالب سلجوق‌نامه بوده و دارای ارزش و اعتبار تاریخی و استنادی مستقل نیست.

### نتیجه‌گیری

تاج‌الدین حسن یزدی به علت سکونت و زندگی در کرمان و خراسان دوره تیموری، بیشتر از منظر جغرافیای کرمان و خراسان به نوشتن تاریخ سلجوقیان پرداخته است. وی آن منابعی را در ذکر تاریخ سلجوقیان اساس قرار داده است که از قضا توسط مورخان دارای خاستگاه جغرافیایی خراسانی و کرمانی نوشته شده است. یزدی تقریباً از چهار اثر تاریخ‌نگاری مربوط به دوره سلجوقی برای روایت بخش سلجوقیان تاریخ عمومی خود با عنوان جامع التواریخ حسنی، استفاده کرده است. وی تاریخ سلجوقیان عراق و تاریخ سلجوقیان کرمان را به روایت سلجوق‌نامه ظهیرالدین نیشابوری و بدایع الازمان فی وقایع کرمان افضل‌الدین کرمانی به نگارش درآورده است. تاریخ استقرار سلجوقیان در عراق عجم و عرب و تاریخ سلاطین سلجوقی عراق بعد از سلطان محمد سلجوقی به صورت مستقیم و عیناً از روی متن سلجوق‌نامه نوشته شده است. مسئله‌ای که به صورت مستند و تطبیقی در متن مقاله نشان داده شد، اما نحوه استفاده یزدی از بدایع الازمان افضل‌الدین کرمانی دقیق نیست. با این که متن اصلی بدایع الازمان موجود نیست، اما براساس مقایسه روایت یزدی با روایت محمدابراهیم خبیسی از بدایع الازمان، می‌توان گفت یزدی تاریخ سلجوقیان کرمان را با خلاصه‌نویسی



پراکنده و برداشتی ناقص از *بدايع الازمان* نوشته است. به جهت این که امروزه متن کامل *سلجوق‌نامه* و نسخه‌بازنویسی‌شده *بدايع الازمان* در دسترس محققان می‌باشد، در نتیجه مطالب بخش‌هایی از روایت یزدی در خصوص تاریخ سلجوقیان که براساس گزارش از این دو اثر تاریخ‌نگاری نوشته شده، جنبه‌ای تکراری دارد و فاقد اهمیت استنادی است.

همان‌طور که مطرح شد، مهم‌ترین و ارزشمندترین بخش از روایت یزدی در مورد تاریخ سلجوقیان برگرفته از دو اثر تاریخ‌نگاری مفقودشده دوره سلجوقی به نام‌های *تاریخ قوامی* و *سنجرنامه* است. وی مقدمات و سال‌های نخستین حضور سلجوقیان در خراسان را به روایت تاریخ قوامی نوشته است. این اثر در زمره منابع تاریخ‌نگاری ناشناخته و مفقودشده دوره سلجوقی است که در پژوهش حاضر براساس قراینی این احتمال مطرح شد که شاید همان کتاب *ملک‌نامه* نخستین اثر تاریخ‌نگاری مفقودشده دوره سلجوقی باشد.

یزدی رویدادهای خراسان دوره سلطنت سلطان ملک‌شاه و سلطان سنجر را هم به روایت *سنجرنامه* دیگر اثر تاریخ‌نگاری مفقودشده متعلق به دوره سلطنت سلطان سنجر، نوشته است. با این که استفاده یزدی از تاریخ قوامی جنبه‌ای محدود دارد و مربوط به ذکر اخباری درخصوص پیشینه و خاستگاه سلجوقیان و نحوه ورود آن‌ها به خراسان است، وی رساله *سنجرنامه* را تقریباً شکلی مبسوط و مفصل مورد استفاده و استناد قرار داده است. وی براساس رساله *سنجرنامه* در دو شکل منثور و منظوم، دقایق و جزئیاتی از رویدادهای سیاسی خراسان دوره سلطان ملک‌شاه و خصوصاً سلطان سنجر آورده که در نوع خود منحصر به فرد است و در هیچ‌کدام از منابع تاریخ‌نگاری دوره سلجوقی با این تفصیل نیامده است. روایت و بیان یزدی درخصوص اقدامات سلطان ملک‌شاه در ماوراءالنهر و ترکستان و نوع مناسبات او با خاقان‌های ترکستان در دو شکل جنگ‌و صلح و اقدامات و مناسبات سلطان سنجر با سلاطین سلجوقی عراق، سلاطین غزنوی مستقر در غزنه، خاقان‌های ترکستان، گورخان خطایی و نبرد قطران و رویدادهای مربوط به روابط با ترکان غز و شکست و اسارت سلطان سنجر به دست غزان، جنبه‌ای خاص و منحصر به فرد دارد. به‌طوری که وی وقایع مربوط به موضوعات و پدیده‌های مذکور را در دو شکل نظم و نثر با چنان دقت و جزئیات تاریخی بیان کرده که در منابع تاریخ‌نگاری موجود دوره سلجوقی به این شکل نیامده است. هر چند بخش مهمی از متن و محتوای *جامع‌التواریخ* حسنی درخصوص تاریخ سلجوقیان عراق و سلجوقیان کرمان، به‌علت مبتنی بودن بر روایت‌های *سلجوق‌نامه* ظهیرالدین و *بدايع الازمان* افضل‌الدین، جنبه‌ای تکراری و دست دوم دارد، این اثر درخصوص آگاهی به رویدادهای تاریخی و وقایع خراسان عصر سلجوقی در دوره سلطان ملک‌شاه و سلطان سنجر، از جایگاهی بدیع و منحصر به فرد برخوردار

است. به طوری که امروزه یکی از تحقیقات مورد نیاز و ضروری، بازیابی و بازنویسی مستند و دقیق *سنجرنامه* مفقودشده به روایت منظوم یزدی است، چراکه وی بخش مهمی از رویدادهای تاریخی دوره سلطان ملک‌شاه و سلطان سنجر در خراسان و ماوراءالنهر را براساس متن *سنجرنامه* روایت کرده است. از دیگر ویژگی‌های منحصر به فرد کتاب *جامع التواریخ حسنی*، پیوند شعر و تاریخ‌نگاری و بیان منظوم وقایع و رخدادهای تاریخی است. معمولاً در شیوه تاریخ‌نگاری منظوم، روایت وقایع و رخدادهای تاریخی تحت الشعاع عبارت‌پردازی‌های شاعرانه و محدودیت‌های شعری قرار می‌گیرد. درحالی‌که این امر در تاریخ‌نگاری منظوم حسن یزدی کم‌رنگ است؛ چراکه وی هیچ‌گاه در بیان و روایت منظوم رخدادها و حوادث تاریخی دچار حواشی ادبی و عبارت‌پردازی‌ها شاعرانه نشده و روایت تاریخی را فدای نظم و صنایع شعری و ادبی نکرده است. روایت منظوم یزدی از وقایع و رخدادهای تاریخی دوره سلجوقی به جهت مبتنی بودن بر روایات *سنجرنامه*، آکنده از داده‌های تاریخی مستند و قابل استفاده برای پژوهشگران تاریخ خراسان و ماوراءالنهر دوره سلجوقی است. همان‌طور که مطرح شد، غلبه رویکرد شعری به ثبت تاریخ سلجوقیان در *جامع التواریخ حسنی*، ناشی از اثری منظوم بوده که یزدی با عنوان *تواریخ آل سلجوق* در تاریخ سلجوقیان سروده بود. به طوری که وی هنگام نوشتن بخش سلجوقیان *جامع التواریخ*، روایت‌های منظوم خود را براساس همین اثر آورده است. اثری که امروزه موجود نیست و تنها به واسطه *جامع التواریخ حسنی* از آن آگاهی داریم.

## منابع

- ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد (۱۳۶۶) *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال، چاپ ۲، تهران: پدیده خاور.
- ابن‌العديم، کمال‌الدین (۲۰۱۱) *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، عنی بنشره و علق علیه الدكتور علی سویم، الطبعة الثانی، مطبعة الجمعية التاريخية التركیه: انقره.
- افضل‌الدین ابوحامد احمد بن حامد کرمانی (۱۳۲۶) *تاریخ افضل یا بدایع الازمان فی وقایع کرمان*، فرآورده مهدی بیانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳) *سلجوقیان و غز در کرمان*، تحریر میرزا محمد ابراهیم خبیصی، مقدمه، تصحیح و تحشیه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: انتشارات کوروش.
- بیانی، مهدی (۱۳۹۳) *تحقیق در احوال و آثار ابن‌شهاب یزدی (شاعر، مورخ و منجم گمنام قرن نهم هجری)*، به اهتمام نادر مطلبی کارشانی، قم: نشر مورخ.
- حسینی، صدرالدین ابوالفوارس (۱۳۸۰) *زبده التواریخ (اخبار امراء و پادشاهان سلجوقی)*، تصحیح

- محمد نورالدین، ترجمه رمضان علی روح الهی، تهران: انتشارات ایل شاهسون بغدادی. خلیفه، مجتبی (۱۳۸۵) تجارت ایران در دوره سلجوقیان، رساله دکتری، گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- رحمتی، محسن (۱۳۸۳) تحول سیاست و جامعه در ماوراء النهر از قرن سوم تا حمله مغول، رساله دکتری، گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷) «پیامدهای اجتماعی جنگ قپطان در ماوراءالنهر»، *مطالعات تاریخی جنگ*، ۲(۳)، صص ۷۳-۵۳.
- صدقی، ناصر (۱۳۸۸) «بررسی محدودیت‌های شناخت تحولات ایران عصر سلجوقی»، پژوهش‌های علوم تاریخی دانشگاه تهران، ۱(۲)، صص ۸۷-۱۱۰.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳) *تاریخ‌نگاری در ایران عصر سلجوقی*، پژوهشکده تاریخ اسلام، تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹) «تاریخ‌نگاری ایران عصر سلجوقی و مسئله‌ی دگرگونی‌های سیاسی»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهراء، ۲۰(۶)، صص ۱۰۶-۸۱.
- میرخواند، میر محمدبن سید برهان‌الدین (۱۳۳۹) *تاریخ روضه الصفا*، جلد ۲، تهران: خیام.
- نیشابوری، ظهیرالدین (۱۳۹۰) *سلجوق‌نامه*، تصحیح میرزا اسماعیل افشار و محمد رضائی، تهران: اساطیر.
- یزدی، تاج‌الدین حسن بن شهاب (بی تا) *جامع التواریخ حسنی (بخش تیموریان پس از تیمور)*، به کوشش حسین مدرسی طباطبایی و ایرج افشار، مؤسسه تحقیقات علوم آسیای میانه و غربی دانشگاه کراچی، پاکستان: کراچی.
- یزدی، شهاب‌الدین حسن<sup>۱</sup> (۱۳۹۹) *جامع التواریخ حسنی (بخش سلجوقیان)*، مقدمه، تحقیق و تصحیح بلنت اوزقوزوگودنلی، فرهنگستان هنر، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری.
- Köymen, Mehmet Altay, 2018, "Büyük Selçuklu İmparatorluğunda Oğuz İsyani", *TOPLU MAKALELER, SELÇUKLU DEVTİ TÜRK TARİHİ ARAŞTIRMALARI, II CİLT*, Hazırlayanlar: Sinan TARIFCI- Kerim KöKSAL KAYA, Türk Tarih Kurumu, Ankara.
- ÖZKUZUGÜDENLİ, Osman G., 1994, *SULTAN SENCER VE KARA-HITAYLAR-KATVAN SAVAŞI*, (YÜKSEK LİSANS TEZİ), MARMARA ÜNİVERSİTESİ, İSTANBUL, ss.XVI-XVII.
- ÖZKUZUGÜDENLİ, Bülent, 2014, *HASAN-I YEZDÎ'NİN CÂMÎ 'U'T-TEVÂRÎH-İ HASENÎ İSİMLİ ESERİNİN SELÇUKLULAR KISMI (GİRİŞ – FARŞÇA METİN – TÜRKÇE TERCÜME)*, DOKTORA TEZİ, T.C. MARMARA ÜNİVERSİTESİ TÜRKİYAT ARAŞTIRMALARI ENSTİTÜSÜ, TÜRK TARİHİ ANABİLİM DALI, ORTAÇAĞ TARİHİ BİLİM DALI, İstanbul.
- ÖZKUZUGÜDENLİ, Bülent, 2016, *SELÇUKLU TARİHİNİN AZ BİLİLEN BİR KAYNAĞI: HASAN-I YEZDÎ'NİN CÂMÎ 'U'T-TEVÂRÎH-İ HASENÎ İSİMLİ ESERİ*, USAD; (5): 143-166.
- Tâcü'd-dîn Hasan b. Şihâb-ı Yezdî, 2023, *Câmi'ü't-Tevârih-i Yezdî (Timur'dan Sonra Timurlular)*, çev. Fatih Bostancı, Divan Kitap, İstanbul 2023.

۱. درست همان تاج‌الدین حسن یزدی است. در متن فارسی چاپ‌شده اسم و لقب مؤلف اشتباه نوشته شده است. شهاب یزدی پدر حسن یزدی بوده است.

**List of sources with English handwriting**

- Afzaludīn Abū Hāmed Aḥmad b. Hāmed Kermānī (1947) *Tārīk-e Afzal or Badāyī' ul-Azmān fi Vaqāyī' Kermān*, by Mehdi Bayani, University of Tehran Press.
- Afzaludīn Abū Hāmed Aḥmad b. Hāmed Kermānī (1994) *Saljūqīān va Ğoz dar Kermān*, written by Mirzā Mohammad Ebrahim ḵabisi, introduction, correction and revision by Mohammad Ebrahim Bāstani Parizi, Korooš Publishing House, Tehran.
- Bayani, Mahdi (2013) research on the life and works of Ibn Šahāb Yazdi (poet, historian and anonymous astronomer of the 9th century Hijri), with the efforts of Nader Motallebi Kashani, Historian Publishing House, Qom.
- Hosseīnī, Šadr al-Dīn Abūl-Fawāris (2001) *Zobdat al-Tawārīk*, revised by Mohammad Nur al-Dīn, translated by Ramazan Ali Roohollahi, Ile Šahsavan e Baghdadi Publishing House, Tehran.
- İbn ul-'Adīm, Kamāl ul-Dīn (2011) *Boğyat ul-Ṭalab fi Tārīk-e Ḥalab(Aleppo)*, with the efforts of Dr. Ali Sevim, jam'iyat Al-Tārīkīyat Al-Turkiyeh Press, second edition, Ankara.
- İbn Esfandīār, Bahāuddīn Moḥammad (1987) *Tārīk-e Ṭabarestān*, revised by Abbas Eqbal, Padīdeh-ye Kavīr Publishing House, second edition, Tehran.
- Khalifeh, Mojtaba (2006) *Iran's trade during the Seljuk period (doctoral dissertation)*, supervisor Dr. Abdol Rasool ḵairandiš, Department of History, Faculty of Literature and Human Sciences, Tarbiat Modares University.
- Mīrkānd, Mīr Moḥammad b. Seyyed Borhānuddīn (1960), *Tārīk-e Rūdat ul-Šafā*, Volume 4, ḵayyām Publications, Tehran.
- Neīšābūrī, Zahr al-Dīn, (2011) *Seljuknāmeḥ*, edited by Mirza Esmail Afshar and Mohammad Ramezani, Asātīr Publishing House, Tehran.
- Rahmatī, Mohsen (2004) *The evolution of politics and society in Transoxiana, from the 3rd century to the Mongol invasion (doctoral thesis)*, supervisor Dr. Abdul Karim Golshani, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran.
- Rahmatī, Mohsen (2017) "Social Consequences of the Battle of Qatwan in Transoxiana", *Journal of Historical Study of war*, Year 2, Number 3, pp. 53-73.
- Sedghi, Naser (2009) "Seljukid Historiography and the Political Changes", *Journal of "Historical Perspective & Historiography of Alzahra University*, Volume 20, Number 6, pp. 81-106.
- Sedghi, Nasser (2013) *Historiography in Iran during the Seljuk period*, Research center for Islamic History, Tehran.
- Sedghi, Naser (2018) "Investigation into the Limitations of Understanding Iran's Developments in Seljuq Era", *Historical Sciences Studies, Scientific-Research Journal of University of Tehran*, Volume 1, Number 2, pp. 110-87.
- Yazdi, Šahābuddīn Hasan (2019) *jāmī' ul-Tawārīk-e Hasanī (Seljuk section)*, introduction and research by Bülent ÖZKUZUGÜDENLİ, Farhangistan Art: Authoring, Translation and Publishing Institute of Art Works, Tehran.
- Yazdi, Tāj ul-Dīn Hasan b. Šahāb, *jāmī' ul-Tawārīk-e- Ḥasanī (Timoriand section after Timur)*, by Hossein Madrresi Tabatabaei and Iraj Afshar, Research Institute of Central and Western Asian Sciences, University of Karachi, Karachi, Pakistan.

**References in Turkish**

- Köymen, Mehmet Altay ( 2018) " *Büyük Selçuklu İmparatorluğunda Oğuz İsyani*", *TOPLU MAKALELER, SELÇUKLU DÖVETİ TÜRK TARİHİ ARAŞTIRMALARI, II CİLT*, Hazırlayanlar: Sinan TARIFCI- Kerim KöKSAL KAYA, Türk Tarih Kurumu, Ankara.
- ÖZKUZUGÜDENLİ, Osman G. (1994) *SULTAN SENCER VE KARA-HİTAYLAR-KATVAN SAVAŞI*, (YUKSEK LISANS TEZİ), MARMARA ÜNİVERSİTESİ, İSTANBUL, ss.XVI-XVII.
- ÖZKUZUGÜDENLİ, Bülent (2014) *HASAN-I YEZDİ'NİN CÂMİ 'U'T-TEVÂRÎH-İ HASENİ İSİMLİ ESERİNİN SELÇUKLULAR KISMI (GİRİŞ – FARŞÇA METİN – TÜRKÇE TERCÜME)*, *DOKTORA TEZİ*, T.C. MARMARA ÜNİVERSİTESİ TÜRKİYAT

ARAŐTIRMALARI ENSTİTÜSÜ, TÜRK TARİHİ ANABİLİM DALI, ORTAÇAĞ  
TARİHİ BİLİM DALI, İstanbul.  
ÖZKUZUGÜDENLİ, Bülent (2016) SELÇUKLU TARİHİNİN AZ BİLİLEN BİR KAYNAĞI:  
HASAN-I YEZDÎ'NİN CÂMİ 'U'T-TEVÂRİH-İ HASENİ İSİMLİ ESERİ, USAD; (5): 143-  
166.  
Tâcü'd-dîn Hasan b. Şihâb-ı Yezdî (2023) *Câmi'üt-Tevârih-i Yezdî (Timur'dan Sonra  
Timurlular)*, çev. Fatih Bostancı, Divan Kitap, İstanbul 2023.



©2023 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under  
the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International  
(CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)



## A critical review of the Seljuks section of Jāmi' al-Tawāriq -e-Hasani<sup>1</sup>

Naser Sedghi<sup>2</sup>

Received: 2024/04/24  
Accepted: 2024/10/24

### Abstract

Jāmi' al-Tawāriq-e- Hasani is a general historiographical source belonging to the Timurid era. Although it was written in a later period, have some special and unique characteristics about the history of the Seljuks, which makes it important. The problem with the current research is that the Seljuk history section of Jami' al-Tawāriq Based on what sources is it written and what content features it has. Tāj addin Hasan -e -Yazdi, the author of this work, wrote the history of the Seljuks based on several treatises and historiographical works belonging to this period. He has written parts of the history of the Seljuks according to the Seljukāmeḥ of Zahir al-Din Nishaburi and Badāyi' al-Azman Afzal addin-e-Kermani. Those parts that have been written based on the mentioned books have a repetitive aspect due to the existence of the Seljuqnameḥ and remains the basis of the text of Badāyi' al-Azman, narrated by Mohammad Ibrahim kabisi, a historian of the Safavid period. However, important parts of the history of the Seljuks have been written in Hasani's Jāmi' al-Tawāriq, based on two unknown and non-existent historiographical sources of the Seljuk period, named Tāriq-e- Qawāmi and Sanjarnāmeḥ, which is considered the most valuable part in terms of content and documents. Yazdi's narrative about the presence of the Seljuks in ḳorāsān was documented in an unknown work entitled Tāriq-e- Qawāmi, and his narratives about historical events of Khorasan during the reign of Sultan Malik Shāh and Sultan Sanjar were written based on Sanjarnāmeḥ. the present research explains the unique parts of this work regarding the history of the and intends to make the researchers of the history of the Seljuk period aware of the importance and necessity of a critical review of the Seljuk section of Hasani's Jāmi' al-Tawāriq that was written based on two sources of historiography, known as Tāriq-e- Qawāmi and Sanjarnameḥ.

**Keywords:** Jāmi' al-Tawāriq-e- Hasani, Seljuks, Historical sources, Tāriq-e- Qawāmi, Sanjarnāmeḥ.

---

1. DOI: 10.22051/hph.2024.46922.1723

2. Professor, Department of History, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. [n\\_sedghi@tabrizu.ac.ir](mailto:n_sedghi@tabrizu.ac.ir)

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507